

الایجا - شماره شش

ده آزمون

Jeff Pippenger

2023-10-05

ما تاکنون به نمادگرایی ایلیا پرداخته‌ایم و اکنون از روایت‌های مربوط به کوه کرمل و کوه سینا استفاده می‌کنیم تا یک فرایند آزمون تدریجی برای شاخ پروتستانتیسم و نیز یک تحول سیاسی تدریجی برای شاخ جمهوری‌خواهی را که با شاخ پروتستانتیسم موازی است نشان دهیم.

آخرین مقاله به بررسی سرکشی سفر اعداد فصل‌های سیزدهم و چهاردهم می‌پرداخت؛ سرکشی‌ای که دهمین و واپسین آزمون اسرائیل باستان را پس از عبورشان از دریای سرخ مشخص می‌کند. این تاریخ با حرکت آغازین جنبش میلریتی هم‌خوانی دارد و همچنین با تاریخ جنبش نهایی خدا نیز مطابقت دارد. کار هر سه فرشته مکاشفه ۱۴ به وسیله جنبشی در آغاز و جنبشی در پایان به انجام می‌رسد.

فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم شرکت می‌کند، قرار است با جلال خود تمام زمین را روشن سازد. در این‌جا کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ تجلی‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر مرکز تبشیری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه دینی مشاهده شد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در هر سرزمینی دیده شده است؛ اما همه این‌ها را جنبش توانمندی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم خواهد بود، پشت سر خواهد گذاشت. مناقشه عظیم، ۶۱۱.

میان تاریخ جنبش آغازین و جنبش پایانی، تاریخ کلیسای لاودکیه را می‌یابیم. فرشته‌ای که زمین را با جلال خود روشن می‌سازد، به وضوح به‌عنوان یک جنبش شناخته می‌شود، نه یک کلیسا.

درباره بابل، در زمانی که در این نبوت به تصویر کشیده شده، چنین گفته شده است: "گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است." مکاشفه ۱۸:۵. او پیمانۀ تقصیر خود را پر کرده است و نابودی در شرف فرود آمدن بر اوست. اما خدا هنوز قومی در بابل دارد؛ و پیش از اجرای داوری‌های او، باید این وفاداران فراخوانده شوند تا در گناهان او شریک نشوند و "از بلایای او نصیبی نبرند." از این رو، جنبشی که با فرشته‌ای که از آسمان فرود می‌آید نمادین شده است—فرشته‌ای که زمین را با جلال خود روشن می‌سازد و با صدای نیرومند فریاد می‌زند—گناهان بابل را اعلام می‌کند. همراه با پیام او این ندا شنیده می‌شود: "ای قوم من، از او بیرون آیید." این اعلان‌ها، که با پیام فرشته سوم متحد می‌شوند، هشدار نهایی را تشکیل می‌دهند که باید به ساکنان زمین داده شود. نبرد عظیم، ۶۰۴.

تمام انبیا با یکدیگر هم‌نظرند و همگی «ایام آخر» را دقیق‌تر از روزهایی که در آنها نبوت‌ها اعلام شد، مشخص می‌کنند. به‌عنوان نمونه‌ای از این پدیده، فرشته باب هجده مکاشفه، در گذشته و اکنون، به‌گونه‌ای نمونه‌وار در فرشته باب ده مکاشفه بازنمایی شده است. هر دو هنگام فرود آمدن، زمین را با جلال خود روشن می‌کنند. خواهر وایت نخستین فرشته را در کتاب «نوشته‌های نخستین» معرفی می‌کند.

«عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور کرد تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که برای ظهور دوم او آماده شوند. هنگامی که فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بسیار درخشان و پر جلال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از خشم قریب‌الوقوع خدا برحذر دارد.» نوشته‌های اولیه، ۲۴۵.

آن فرشته مکاشفه باب هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد. پیش‌تصویر آن، فرشته‌ای بود که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نازل شد. در کتاب اشعیا، باب ششم، هیکل در آسمان و جلال خدا به اشعیا نشان داده می‌شود. در آیه سوم باب ششم تصریح می‌شود که تمام زمین از جلال خدا پر است. این هنگامی رخ می‌دهد که فرشته مکاشفه باب هجده نازل می‌شود.

و پس از این امور دیدم که فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. مکاشفه ۱۸:۱

آیه سوم باب ششم اشعیا همان تاریخ را مشخص می‌کند.

و یکی به دیگری ندا درداد و گفت: قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها؛ تمامی زمین از جلال او پر است. اشعیا ۶:۳.

خواهر وایت رویای اشعیا از مقدس‌گاه را با جنبش باب هجدهم مکاشفه پیوند می‌دهد.

سرافیم در پیشگاه تخت، چنان از خشوع و هیبت در نظاره جلال خدا سرشارند که لحظه‌ای با خودپسندی به خویش نمی‌نگرند و نه خود یا یکدیگر را می‌ستایند. ستایش و جلالشان از آن خداوند لشکرهاست، که رفیع و برافراشته است و جلال دامن ردای او هیکل را پر می‌کند. چون آینده را می‌بینند، آنگاه که تمامی زمین از جلال او پر خواهد شد، سرود ظفرمند ستایش در نوایی خوش‌آهنگ از یکی به دیگری پژواک می‌یابد: "قدوس، قدوس، قدوس، خداوند لشکرهاست." آنان از تمجید خدا کاملاً خرسندند؛ و در حضور او، در پرتو لبخند رضایتش، دیگر چیزی نمی‌خواهند. در آنکه صورت او را بر خود دارند، در انجام خدمتش و پرستش او، برترین آرمانشان به‌تمامی برآورده می‌شود.

"رؤیایی که به اشعیا داده شد، نمایانگر وضعیت قوم خدا در ایام آخر است." ریویو اند هرال، ۲۲ دسامبر ۱۸۹۶.

یوحنا در مکاشفه باب ده و نیز باب هجده، و اشعیا در باب شش، و همچنین مطابق با تفسیر خواهر وایت، همگی این تصاویر روشن شدن زمین از جلال خدا را در همان مقطع تاریخی قرار می‌دهند. تمام جهان شاهد رویدادهایی بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد. تاریخ پیش‌رونده جنبش میلری که در سال ۱۸۶۳ به پایان رسید، نمونه‌ای بود از زمانی که فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود می‌آید، در پیوند با تاریخی که با فرشته‌ای که در مکاشفه باب ده فرود آمد مرتبط است. با این مقدمات اولیه، به فرایند آزمونی که در اعداد باب چهارده نمایانده شده است بازمی‌گردیم. پس از آنکه موسی برای شورشیانی که می‌خواستند به مصر بازگردند و یوشع و کالب را سنگسار کنند شفاعت کرد، خدا شفاعت موسی را پذیرفت.

و خداوند گفت: مطابق سخن تو عفو کرده‌ام؛ اما به حیات خودم قسم که تمامی زمین از جلال خداوند پر خواهد شد. زیرا همه آن مردانی که جلال مرا و معجزاتم را که در مصر و در بیابان به‌جا آوردم دیده‌اند، و اکنون این ده بار مرا آزموده‌اند و به آواز من گوش نسپرده‌اند، یقیناً آن سرزمینی را که برای پدرانشان سوگند خوردم نخواهند دید، و هیچ‌یک از آنان که مرا به خشم آوردند آن را نخواهند دید. اما بندهام کالب، چون روحی دیگر در او بود و از من به تمامی پیروی کرده است، او را به آن سرزمینی که بدان رفت داخل خواهم کرد، و نسل او آن را به میراث خواهند برد. اعداد ۳۰:۱۴-۳۴.

تاریخی که در سفر اعداد باب چهارده بازنمایی شده، آخرین آزمون برای اسرائیل باستان است و شکست آنان مرگ در بیابان را طی چهل سال بعد برایشان رقم زد. این تاریخ مستقیماً با مکاشفه باب هجده پیوند دارد، زیرا خدا در آنجا اعلام کرد: «چنان‌که خدا زنده است، تمام زمین از جلال خداوند پر

خواهد شد.» این بیان بسیار قاطعی است که خدا در این گزارش تاریخی نهاده و بدین‌سان تأکید می‌کند که تاریخی که در اعداد باب‌های سیزده و چهارده بازنمایی شده، به سوی جنبش عظیم فرشته مکاشفه باب هجده اشاره می‌کند. و چون مکاشفه باب هجده سرانجام قوم باقیمانده خدا را نشان می‌دهد، آغاز قوم باقیمانده خدا نیز در بخشی که در کتاب اعداد در حال بررسی آن هستیم، به تصویر کشیده شده است.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، در هنگام تحقق یک پیشگویی اسلامی مربوط به «وای دوم»، قوم پیش‌تر برگزیده پیمان با پیام ایلیا که به‌تازگی درست بودنش ثابت شده بود، آزموده شد.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با تحقق یک نبوت اسلامی درباره وای سوم، قوم عهد برگزیده پیشین آغاز داوری زندگان را نشان داد، چنان‌که پیام ایلیا به‌تازگی درست بودنش ثابت شده بود.

پیام ایلیا در تاریخ جنبش میلریتی در چارچوب زمان نبوتی قرار داشت. پیام ایلیا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در چارچوب تکرار تاریخ قرار داشت. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ را تکرار کرد، زیرا هر دو تاریخ نمایانگر تحقق پیشگویی‌ای درباره اسلام‌اند و هر دو نزول آن فرشته‌ای را نشان می‌دهند که خواهر وایت گفت «شخصیتی کمتر از عیسی مسیح نیست». هرچند خواهر وایت، برخلاف آنچه درباره فرشته مکاشفه ده می‌گوید، هرگز درباره فرشته مکاشفه هجده نگفته است که «شخصیتی کمتر از عیسی مسیح نبود»، اما فرشته مکاشفه هجده زمین را با جلال «خویش» روشن می‌کند و کتاب مقدس به‌روشنی می‌گوید که این جلال عیسی مسیح است که زمین را روشن می‌کند.

ابزار داوری‌ای که در آغاز موجب آزمون پروتستان‌ها شد، جنبش میلریتی بود که ایلیا نماینده آن بود. ابزار داوری‌ای که در پایان موجب آزمون ادونتیسیم روز هفتم می‌شود، جنبش ایلیا است که یکصد و چهل و چهار هزار نماینده آن‌اند. نماد ایلیا بیش از یک معنا دارد و گرچه او نماینده میلر و جنبش میلریتی است، همچنین نماینده یکصد و چهل و چهار هزار نیز هست.

موسی بر کوه تجلی، شاهد پیروزی مسیح بر گناه و مرگ بود. او نماینده کسانی بود که در رستاخیز عادلان از قبر برخوانند خاست. الیاس، که بدون دیدن مرگ به آسمان انتقال یافته بود، نماینده کسانی بود که هنگام بازگشت دوم مسیح بر زمین زنده خواهند بود و «در یک لحظه، به چشم برهم زدنی، به هنگام نواخته شدن صور آخر» دگرگون خواهند شد؛ آنگاه که «این فانی باید جامه جاودانگی بپوشد» و «این فاسد باید جامه بی‌فسادی بپوشد». اول قرن‌تین ۱۵:۵۱-۵۳. عیسی به نور آسمان ملیس شده بود، همان‌گونه که ظاهر خواهد شد هنگامی که «بار دیگر، بدون گناه، برای نجات» خواهد آمد. زیرا او «در جلال پدرش، با فرشتگان مقدس» خواهد آمد. عبرانیان ۹:۲۸؛ مرقس ۸:۳۸. اکنون وعده نجات‌دهنده به شاگردان تحقق یافت. بر فراز کوه، پادشاهی آینده جلال به‌صورت نمونه‌ای کوچک نمایانده شد: مسیح پادشاه؛ موسی، نماینده مقدسان، برخاسته؛ و الیاس، نماینده انتقال‌یافتگان. آرزوی اعصار، ۴۱۲.

در میان قوم عهد، آنان که کنار گذاشته می‌شوند، با نسبت ده به دو در اکثریت‌اند. بسیاری فراخوانده می‌شوند، اما اندکی برگزیده می‌شوند. ناکامی در آزمون دهم بر این مبتنی بود که آیا گزارش بد یا گزارش نیک درباره سرزمین موعود رد شد یا پذیرفته شد. از این‌رو، تاریخ ترسیم‌شده در این‌جا نشان می‌دهد که پیروزی یا شکست در تاریخ آزمون‌های پی‌درپی مبتنی است بر انتخاب میان دو روش‌شناسی که اطلاعات یکسان را تفسیر می‌کنند.

همه دوازده جاسوس سرزمین موعود را دیدند، اما دو برداشت متفاوت درباره اینکه سرزمین موعود چه معنایی داشت پدید آمد. یکی از گزارش‌ها برآمده از ترس انسانی بود و دیگری از ایمان. یکی خواست رد کردن هدایت خدا و بازگشت به بردگی در مصر را نشان می‌داد و گزارش دیگر خواست اعتماد به هدایت خدا و پیشروی به سوی سرزمین موعود را.

در جنبش میلری، اکثریت نیز برگزیدند که به اسارت بابل بازگردند و دختران او شوند، و این تجلی تصمیم‌شان برای رد پیام نبوی فرشته نخستین بود. میلری‌های وفادار برگزیدند که از پیام نبوی فرشته نخستین پیروی کنند، حتی پس از ناکامی ظاهری در نخستین سرخوردگی در بهار ۱۸۴۴. تاریخ سفر اعداد دو «گزارش» متفاوت از دوازده جاسوس را بیان می‌کند که نمایانگر دو تحلیل متفاوت از همان پیام نبوی است. در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لاودیکپایی پیام نبوی را نپذیرفت؛ بلکه پیام نبوی پیش‌تر تثبیت شده‌ای را رد کرد. در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لاودیکپایی به روش‌شناسی کتاب مقدسی بازگشت و آن را پذیرفت؛ روشی که در سراسر خدمت ویلیام میلر با او مخالفت می‌کرد. آنان که پیام نبوی را رد کردند و خواهان بازگشت به بندگی بودند، نمونه‌شان شورشیان سفر اعداد، باب چهارده، بودند که سرانجام در بیابان مردند.

عدد ده، هنگامی که به عنوان نماد در نظر گرفته شود، همانند همه نمادها بیش از یک معنا دارد. معنای نمادین آن باید با توجه به زمینه بخشی که در آن آمده درک شود. «ده» به عنوان نماد می‌تواند نمایانگر آزار و شکنجه باشد. می‌تواند نمایانگر یک آزمایش باشد. می‌تواند نمایانگر اتحاد ده‌گانه پادشاهان اروپا، قبایل شمالی اسرائیل و سازمان ملل متحد باشد. در کلیسای اسمیرنا، قوم خدا می‌بایست برای ده روز در تنگی باشند.

از هیچ‌یک از آنچه قرار است رنج ببری مترس؛ اینک، ابلیس بعضی از شما را به زندان خواهد افکند تا آزموده شوید؛ و ده روز رنج خواهید داشت. تا به مرگ وفادار بمان، و من به تو تاج حیات خواهم داد. مکاشفه ۲:۱۰

تاریخ‌نگاران در تاریخ سمیرنا به جفایی که به دست دیوکلیتیان صورت گرفت اشاره می‌کنند، زیرا آن شدیدترین جفای تاریخ سمیرنا بود و ده سال به طول انجامید. تاریخ‌نگاران دیگری ده جفای متفاوت را در تاریخ سمیرنا شناسایی می‌کنند. در هر حال، همه آن‌ها به دست روم امپراتوری انجام شد؛ همان که در دانیال باب هفتم با ده شاخ نمایانده شده است. آن ده پادشاه پادشاهانی بودند که نمونه آن‌ها آخاب است که با دستگاه پاپی زنا کرد، و ابزار جفایی بودند که دستگاه پاپی برای تحقق کشتار در قرون تاریک به کار برد. «ده» نمایانگر قدرت دولتی است که جفا را برای ایزابل به انجام می‌رساند. در دانیال باب اول، «ده» نماد یک دوره آزمون است.

بندگان تو را، استدعا می‌کنم، ده روز بیازما؛ و بگذار به ما حیویات برای خوردن و آب برای نوشیدن بدهند. سپس چهره‌های ما را در حضور تو بنگرند، و نیز چهره آن جوانانی را که از سهم خوراک پادشاه می‌خورند؛ و هرگونه که دیدی، با بندگانت رفتار کن. پس او در این امر با ایشان موافقت کرد و ایشان را ده روز آزمود. و در پایان ده روز، چهره‌های آنان نیکوتر و تنش‌شان فربه‌تر از همه جوانانی بود که از سهم خوراک پادشاه می‌خوردند. دانیال ۱:۱۲-۱۵.

در سفر اعداد باب چهارده، قوم اسرائیل باستان ده بار خدا را به خشم آورده بود که نشان‌دهنده ده آزمون در طول یک بازه زمانی بود.

اما قسم به حیات خودم، تمامی زمین از جلال خداوند پر خواهد شد. زیرا همه آن مردانی که جلال من و معجزاتم را که در مصر و در بیابان به جا آوردم دیده‌اند، و اکنون این ده بار مرا آزموده‌اند و به آواز من گوش نسپرده‌اند. اعداد ۱۴:۲۱، ۲۲.

اگر در اینترنت جست‌وجو کنید تا دریابید کدام شورش‌های مشخص، نه شورش یا آزمون ناموفق را از زمان رهایی در دریای سرخ تا آزمون دهم تشکیل می‌دهند، با چندین روایت متفاوت روبه‌رو می‌شوید درباره این که کدام یک از شکست‌های اسرائیل باستان باید به عنوان یکی از آن ده آزمون به شمار آید. من بر این باورم که رهایی در دریای سرخ، که به طور مشخص همسو با ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ شناسایی شده است، آغاز ده آزمون است و بنابراین نقطه شروع شمارش آزمون‌هایی که از ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ پدید

آمدند. فرایندی تدریجی از آزمون وجود داشت که در 1798، هنگامی که مَهر کتاب دانیال گشوده شد، آغاز گردید و آن فرایند تاریخ پیام‌های فرشته‌ی اول و دوم را دربر گرفت که با رسیدن فرشته‌ی سوم در 22 اکتبر 1844 به پایان رسید.

در مینیاپولیس، خدا گُوهرهای گران‌بهای حقیقت را در قالب‌هایی نو به قوم خود عطا کرد. این نور آسمانی از سوی برخی با همان سرسختی که یهودیان در رد کردن مسیح نشان دادند، رد شد، و بسیار درباره پایبندی به نشانه‌های کهن سخن گفته می‌شد. اما شواهدی در کار بود که نشان می‌داد آنان نمی‌دانستند نشانه‌های کهن چه بودند. شواهدی وجود داشت و استدلالی از کلام که مورد پذیرش وجدان بود؛ اما ذهن‌های مردم در برابر ورود نور بسته و مهر و موم شده بودند، زیرا تصمیم گرفته بودند که برداشتن «نشانه‌های کهن» خطایی خطرناک است، در حالی که هیچ میخی از نشانه‌های کهن جابه‌جا نمی‌شد، بلکه درباره چپستی «نشانه‌های کهن» برداشت‌های تحریف‌شده‌ای داشتند.

سپری شدن وقت در سال ۱۸۴۴ دوره‌ای از رویدادهای بزرگ بود که در برابر چشمان بهت‌زده ما، تطهیرِ قدس که در آسمان در جریان بود را آشکار می‌کرد و با قوم خدا بر زمین رابطه‌ای تعیین‌کننده داشت، و نیز پیام فرشته‌ی اول و دوم، و سومی که پرچمی را برافراشت و بر آن نوشته بود: «احکام خدا و ایمان عیسی.» یکی از نشانه‌های این پیام، هیکل خدا بود که قوم حقیقت‌دوست او آن را در آسمان دیدند، و تابوتی که شریعت خدا را در خود داشت. نور سبت حکم چهارم پرتوهای نیرومند خود را بر راه ناقضان شریعت خدا تاباند. عدم جاودانگی شریکان یکی از نشانه‌های کهن است. چیز دیگری به یاد می‌آید که زیر عنوان نشانه‌های کهن بگنجد. این همه هیاهو درباره تغییر نشانه‌های کهن، همه‌اش خیالی است. مواد ۱۸۸۸، ۵۱۸.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشته‌ی سوم با پیامی در دستش از راه رسید.

وقتی خدمت عیسی در قدس پایان یافت و او به قدس‌الاقداص وارد شد و در برابر تابوتی که شریعت خدا را در خود داشت ایستاد، فرشته‌ی نیرومند دیگری را با پیام سوم برای جهان فرستاد. طوماری در دست فرشته نهاده شد، و هنگامی که او با قدرت و جلال به زمین فرود می‌آمد، هشداری هراس‌انگیز را اعلام کرد، همراه با هولناک‌ترین تهدیدی که تاکنون به انسان ابلاغ شده است. نوشته‌های نخستین، ۲۵۴.

در بیست‌ودوم اکتبر ۱۸۴۴، فرشته‌ای با طوماری در دست فرود آمد که قرار بود قوم خدا آن را بخورند. تعالیم «نشان‌های راه» که در پی آن شناسایی شدند، یا باید خورده و پذیرفته می‌شدند، یا رد می‌شدند و خورده نمی‌شدند. هنگامی که فرشته سوم با طومار در دست خود رسید، پیام درون آن طومار نمایانگر شش حقیقت آزمایشی بود. آن شش آزمون چنین شناخته شدند: «گذشت زمان»، که نمایانگر نبوت دو هزار و سیصد ساله بود؛ دآوری، که به‌عنوان «تطهیر مقدس‌گاه» ارائه شد؛ پیام‌های سه فرشته؛ «شریعت خدا»؛ «سبت»؛ و وضعیت مردگان که به‌صورت «عدم جاودانگی روح» بیان شد.

آن شش حقیقت البته به هم مرتبط‌اند، اما هر یک به‌طور جداگانه به‌عنوان نقاط عطف شناسایی شده‌اند. برخی شاید نخواهند گذشت زمان را در این فهرست بگنجانند، اما آشکار است که بسیاری حقیقت این‌که 22 اکتبر 1844 تحقق واقعی یک پیشگویی بود را نپذیرفتند. آنان در آن آزمون مردود شدند و همین، طبعاً مانع شد که با آزمون‌های پس از آن روبه‌رو شوند. فرایند آزمون الهی بارها به‌عنوان فرایندی پیش‌رونده تثبیت شده است؛ فرایندی که مستلزم پیروزی در نخستین آزمونی است که به شما داده می‌شود، پیش از آن‌که بتوانید وارد آزمون بعدی شوید.

وقتی شروع کردیم نور مربوط به مسئله سبت را ارائه کنیم، هیچ برداشت روشن و مشخصی از پیام فرشته سوم در مکاشفه ۹: ۱۴-۱۲ نداشتیم. بار شهادت ما، وقتی در برابر مردم می‌ایستادیم،

این بود که جنبش عظیم ظهور دوم از جانب خدا بود، اینکه پیام‌های اول و دوم ابلاغ شده بودند و اینکه پیام سوم باید داده می‌شد. دیدیم که پیام سوم با این کلمات پایان می‌یابد: «اینجاست شکیبایی مقدسان؛ اینانند که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را.» و به همان روشنی که اکنون می‌بینیم، آن زمان نیز می‌دیدیم که این کلمات نبوی به اصلاحی در باب سبت اشاره داشتند؛ اما درباره اینکه پرستش وحشی که در این پیام ذکر شده بود چه بود، یا تصویر و نشان وحش چه بودند، موضع مشخص و تعریف شده‌ای نداشتیم.

خدا به وسیله روح القدس خود نور را بر بندگانش تابانید و موضوع به تدریج بر ذهن‌هایشان گشوده شد. برای کشف آن، حلقه به حلقه، مطالعه بسیار و مراقبتی آمیخته با اضطراب لازم بود. با مراقبت، اضطراب و کار بی‌وقفه، این کار پیش رفت تا آن‌که حقایق بزرگ پیام ما، به صورت کلی روشن، به هم پیوسته و کامل، به جهان عرضه شد.

قبلاً از آشنایانم با الدر بیتس سخن گفته‌ام. او را مردی واقعاً مسیحی یافتیم، با ادب و مهربان. با من چنان با ملاطفت رفتار کرد که گویی فرزند خودش هستم. نخستین بار که سخنم را شنید، علاقه عمیقی نشان داد. پس از آن که سخنم را به پایان رساندم، برخاست و گفت: "من توماسی شکاکم. به رؤیایها باور ندارم. اما اگر می‌توانستم باور کنم که شهادتی که این خواهر امشب بازگو کرده، واقعاً صدای خدا برای ما بوده است، شادترین مرد زنده می‌شدم. دلم سخت متأثر شده است. باور دارم که سخنران صادق است، اما نمی‌توانم توضیح دهم که چگونه آن چیزهای شگفت‌انگیزی که برای ما نقل کرده به او نشان داده شده است."

چند ماه پس از ازدوایم، همراه با همسر در همایشی در تاپشام، مین شرکت کردم که الدر بیتس نیز در آن حضور داشت. او در آن زمان به‌طور کامل باور نداشت که رؤیایهای من از جانب خداست. آن جلسه بسیار پراهمیت بود. روح خدا بر من قرار گرفت؛ در رؤیایی از جلال خدا فرو رفته بودم و برای نخستین بار منظره‌ای از سیارات دیگر دیدم. پس از آنکه از رؤیا بیرون آمدم، آنچه را دیده بودم بازگو کردم. الدر ب. سپس پرسید آیا نجوم خوانده‌ام. به او گفتم به یاد ندارم هیچ‌گاه به مطالعه نجوم پرداخته باشم. گفت: «این از جانب خداوند است.» هرگز پیش‌تر او را این چنین رها و شاد ندیده بودم. چهره‌اش با نور آسمان می‌درخشید، و کلیسا را با قوت اندرز داد. شهادت‌ها، جلد ۱، ۷۸-۸۰.

بی‌تردید، همه این آزمون‌های عقیدتی به هم پیوسته‌اند، اما همچنین قابل تفکیک‌اند و به تدریج بر خدمتگزاران خدا آشکار شدند. کلیساهای بسیاری هستند که سبت روز هفتم را رعایت می‌کنند، اما پیام سه فرشته را رد می‌کنند. آنان حقیقت آغاز دآوری در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را رد می‌کنند، اما همچنان سبت را رعایت می‌کنند. این آزمون‌های عقیدتی به هم پیوسته‌اند، اما شش آزمون مشخص را تشکیل می‌دهند.

چنان‌که به تازگی جوزف بیتس نشان داد، آن ناخدای کشتی که کاملاً با نجوم آشنا بود، روح نبوت را پذیرفت؛ چیزی که پیش‌تر آن را رد کرده بود. در دسامبر ۱۸۴۴، الن وایت نخستین رؤیای خود را دریافت کرد و آزمون هفتم وارد جنبش شد.

کتاب مقدس باید راهنمای شما باشد. آن و شهادت‌هایی را که خدا داده است مطالعه کنید؛ زیرا هرگز با کلام او در تضاد نیستند. اگر شهادت‌ها مطابق کلام خدا سخن نمی‌گویند، آن‌ها را رد کنید. مسیح و بلیعال نمی‌توانند متحد شوند. پیام‌های منتخب، کتاب ۳، ۳۳.

اندکی پس از یأس بزرگ، خواهر وایت مقاله‌ای را تأیید کرد که بر اساس آن، مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ از مکان مقدس به قدس‌الاقداص وارد شد. او این نشریه را به «هر قدیس» توصیه کرد.

«من معتقدم که قدسی که در پایان ۲۳۰۰ روز تطهیر خواهد شد، هیکل اورشلیم جدید است که مسیح خادم آن است. خداوند بیش از یک سال پیش در رؤیا به من نشان داد که برادر کروزییر درباره تطهیر قدس و غیره، نور حقیقی را دارد؛ و اینکه اراده او این بود که برادر ک. دیدگاهی را که در «دی‌استار، اکسترا»، ۷ فوریه ۱۸۴۶ به ما عرضه کرد، به نگارش درآورد. من خود را از جانب خداوند کاملاً مأذون می‌دانم که آن «اکسترا» را به هر قدیس توصیه کنم.» سخنی با گله کوچک، ۱۲.

تأیید او مربوط به توصیف کروزییر از حرکت مسیح به قدس‌الاقداص بود، اما آن مقاله چندین آموزه نادرست در بر داشت، از جمله آموزه پروتستانیسم مرتد که «دائمی» در کتاب دانیال را نمایانگر خدمت مسیح می‌دانست. از این رو توضیحی نوشت که نخست در سال ۱۸۵۰ منتشر شد و سپس در کتاب «نوشته‌های نخستین» گنجانده شد. او در آنجا تصریح کرد که «کسانی که فریاد ساعت داوری را دادند، دیدگاه درستی نسبت به «دائمی» داشتند.»

آنگاه دیدم که در ارتباط با «دائمی» (دانیال ۸:۱۲)، واژه «قربانی» به حکم خرد انسانی افزوده شده بود و به متن تعلق ندارد، و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی که فریاد ساعت داوری را اعلام کردند عطا کرد. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر دیدگاه درست «دائمی» هم‌نظر بودند؛ اما در آشفتگی پس از ۱۸۴۴، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شد و تاریکی و سردرگمی در پی آمد. نوشته‌های نخستین، ص ۷۴.

موضوع "روزانه" در کتاب دانیال به نمادی از بازگشت ادونتیسیم به روش‌شناسی پروتستانیسم مرتد در اوایل سده بیستم بدل شد، و امروزه فهم درست میلرایتی از "روزانه" از سوی الهی‌دانان ادونتیسیم رد شده است. این دیدگاه با وجود آن که خواهر وایت به روشنی تصریح کرده بود که میلرایتی‌ها در شناسایی "روزانه" به عنوان قدرت شیطنی بت‌پرستی حق داشتند، رد شده است. آنان حقیقت "روزانه" را رد کردند، نه تنها برخلاف تأیید الهامی او مبنی بر درست بودن درک میلرایتی‌ها، بلکه همچنین در تعارض مستقیم با تصریح بی‌پرده او مبنی بر این که آموزه کاذبی که تعلیم می‌دهد "روزانه" نمایانگر خدمت معبد مسیح است، از سوی «فرشتگانی که از آسمان رانده شدند» آورده شده بود!

«و در آنجا برادر دانیلز بود که دشمن بر ذهن او کار می‌کرد؛ و ذهن شما و ذهن کشیش پرسکات زیر نفوذ فرشتگانی بود که از آسمان رانده شده بودند.» انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۰، ۱۷.

رد عمیق او نسبت به آنچه ادونتیسیم اکنون به عنوان یکی از «خوراک‌های افسانه‌ها»ی خود به کار می‌برد، بسیار شدید بود، زیرا دانیلز و پرسکات نمادی از قدرت شیطنی (وثن‌پرستی) را برگرفتند و آن نماد را به مسیح (خدمت او در مقدس) نسبت دادند. این، تعداد آزمون‌های آموزه‌ای را به هشت می‌رساند.

نهمین آزمون در تاریخ منتهی به ۱۸۶۳، تهیه لوح دوم حقوق در سال ۱۸۵۰ است. نمودار پیشگام ۱۸۴۳ در سال ۱۸۴۲ تهیه شد و تنها به این دلیل «نمودار ۱۸۴۳» نامیده می‌شود که بازگشت مسیح را در ۱۸۴۳ پیش‌بینی می‌کرد. دستور تهیه لوح دوم حقوق در سال ۱۸۵۰ به خواهر وایت داده شد. تهیه دو لوح حقوق، تاریخ فرشته اول و دوم را به تاریخ فرشته سوم پیوند می‌دهد. در زندگی‌نامه‌ای که نوه‌اش درباره زندگی و کار او نوشته است، او مروری بر رویدادهایی ارائه می‌کند که به تهیه نمودار ۱۸۵۰ انجامید. او این کار را با گزینش نقل‌قول‌های مرتبط از خواهر وایت انجام می‌دهد و در این مرور، توضیحات خود را نیز می‌افزاید.

وقتی به خانه برادر نیکولز بازگشتیم، خداوند به من رؤیایی داد و نشانم داد که حقیقت باید آشکارا بر لوح‌ها نوشته شود و این کار سبب خواهد شد بسیاری به وسیله پیام فرشته سوم برای حقیقت

تصمیم بگیرند، و آن دو پیام نخست نیز بر لوح‌ها به روشنی بیان شوند. - نامه 28، 1850.

در این رؤیا همچنین آنچه به جیمز وایت شجاعت می‌داد تا به انتشار ادامه دهد به او نشان داده شد:

همچنین دیدم که انتشار نشریه به همان اندازه ضروری است که رفتن پیام‌آوران؛ زیرا پیام‌آوران به نشریه‌ای نیاز دارند که دربردارنده حقیقت زمان حاضر باشد تا آن را همراه خود ببرند و به دست شنوندگان بسپارند، و آنگاه حقیقت از ذهن محو نخواهد شد. و آن نشریه به جاهایی خواهد رفت که پیام‌آوران نمی‌توانند بروند. - همان.

کار بر روی نمودار جدید بلافاصله آغاز شد و فرصتی فراهم شد تا در شماره Present Truth که جیمز ماه بعد منتشر کرد، درباره آن به برادران اطلاع داده شود:

نمودار. نموداری زمانی از رؤیاهای دانیال و یوحنا، که برای تشریح روشن حقیقت حاضر طراحی شده است، اکنون زیر نظر برادر اوتیس نیکلز، از دورچستر ماساچوست، به صورت چاپ سنگی در حال تهیه است. کسانی که حقیقت حاضر را تعلیم می‌دهند از آن بسیار بهره خواهند برد. اطلاع بیشتر درباره این نمودار بعداً اعلام خواهد شد. — حقیقت حاضر، نوامبر ۱۸۵۰

تا اواخر ژانویه ۱۸۵۱، نمودار آماده شده بود و با بهای ۲ دلار آگهی شده بود. جیمز وایت از آن بسیار خرسند بود و آن را به «کسانی که خدا آنان را فراخوانده است تا پیام فرشته سوم را ابلاغ کنند» رایگان عرضه کرد (Herald and Herald ژانویه ۱۸۵۱). چند کمک سخاوتمندانه در تأمین هزینه انتشار یاری رسانده بودند. آرتور وایت، الن جی. وایت: سال‌های آغازین، جلد ۱، ۱۸۵.

خواهر وایت درباره نمودار ۱۸۴۳ نوشت که آن از سوی خدا هدایت شده بود.

خداوند به من نشان داد که نمودار ۱۸۴۳ به دست او هدایت شده بود و هیچ بخشی از آن نباید تغییر داده شود؛ ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست. دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پنهان کرده بود، به طوری که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا زمانی که دست او برداشته شد. ریویو و هرالده، ۱ نوامبر ۱۸۵۰.

وقتی نوری را که با فرمان تهیه نمودار دیگری در سال ۱۸۵۰ همراه بود ثبت می‌کرد، همان تأیید الهی را برای نمودار ۱۸۵۰ اعلام کرد که درباره نمودار ۱۸۴۳ داده شده بود و نیز تصریح نمود که نمودارهای دیگری که آن زمان تهیه می‌شدند مورد قبول خداوند نبودند. فرمان تهیه نمودار تازه با فرمان چاپ نشریه‌ای جدید همراه بود.

دیدم که کار نمودار ساختن کاملاً نادرست بود. آغازش با برادر رودز بود و برادر کیس آن را پی گرفت. وجوهی صرف ساختن نمودارها و پدید آوردن تصاویر زمخت و چندش‌آور شده است تا فرشتگان و عیسی پرشکوه را بازنمایی کنند. چنین چیزهایی، چنان که دیدم، مایه ناخشنودی خدا بود. دیدم که خدا در کار انتشار آن نمودار به وسیله برادر نیکولز بود. دیدم که در کتاب مقدس درباره این نمودار نبوتی هست، و اگر این نمودار برای قوم خدا در نظر گرفته شده است، اگر برای یک نفر کافی [است] برای دیگری نیز کافی است، و اگر یکی به نمودار تازه‌ای نیاز داشت که در مقیاسی بزرگ‌تر ترسیم شود، همه به همان اندازه به آن نیاز دارند.

دیدم که این احساس بی‌قرار، ناآرام، ناراضی و ناسپاس در وجود برادر کیس بود که خواهان نمودار دیگری بود. دیدم که این نمودارهای نقاشی‌شده بر جماعت اثر بدی داشتند. این موجب شد روحیه‌ای سبک و پوشالی استهزا در جلسه حاکم شود.

دیدم که نمودارهایی که به دستور خدا تهیه شده بودند، حتی بی آن که توضیحی لازم باشد، بر ذهن تأثیر نیکویی می گذاشتند. در بازنمایی فرشتگان بر روی آن نمودارها چیزی لطیف، دل انگیز و آسمانی هست. ذهن تقریباً نامحسوس به سوی خدا و آسمان رهنمون می شود. اما دیگر نمودارهایی که فراهم آورده اند، ذهن را منجر می کند و باعث می شود ذهن بیش از آنکه به آسمان بیندیشد، به زمین مشغول شود. تصاویری که نمایانگر فرشتگان اند، بیشتر به شیاطین می مانند تا موجودات آسمانی. دیدم که آن نمودارها روزها و هفته ها ذهن برادر کیس را به خود مشغول داشته بود، در حالی که او می بایست از خدا در پی حکمت آسمانی می بود و در فیض های روح و شناخت حقیقت رشد می کرد.

دیدم که اگر امکاناتی که در تهیه و انتشار نمودارها به هدر رفته بود، صرف ارائه روشن حقیقت در برابر برادران از طریق انتشار جزوه ها و مانند آن می شد، خیر بسیاری به جا می گذاشت و جانها را نجات می داد. دیدم که کار نمودارسازی مانند تب گسترش یافته است. انتشارات نسخه های خطی، شماره 13، 359؛ 1853.

او صراحتاً می گوید که «خدا در انتشار نمودار [۱۸۵۰] به دست برادر نیکولز حضور داشت» و اینکه در کتاب مقدس «یک نبوت [حقوق دو] درباره این نمودار» وجود داشت. او همچنین تصدیق کرد که «نمودارها» [جمع؛ ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰] که «به امر خدا» بودند، «حتی بدون هیچ توضیحی، ذهن را به گونه ای مطلوب تحت تأثیر قرار می دادند». حقوق دو به میلی ها فرمان داد که رؤیا را بر لوحها، (به صورت جمع)، به روشنی بنگارند تا هر که آن دو نمودار را می خواند بتواند در کلام خدا به این سو و آن سو بدود. این نمودارهای الهی به هیچ توضیح افزوده ای نیاز نداشتند، برخلاف نمودار جعلی ۱۸۶۳ اوریا اسمیت.

و خداوند به من پاسخ داد و گفت: رویا را بنویس و آن را بر لوحها آشکارا ساز تا هر که آن را می خواند بتواند بدود. حقوق ۲:۲

دهمین آزمون محور این مقاله است. در مورد ده آزمونی که موسی در فصل چهاردهم سفر اعداد به آن ها اشاره می کند، پژوهشگران یهودی و دیگر الاهدانان طیفی از گمانه زنی ها درباره این که این آزمون ها ممکن است به کدام رویدادها در تاریخ میان رهایی در دریای سرخ تا شورش ده جاسوس اشاره داشته باشند، ارائه می کنند. شورش آن دوره چند گزینه متفاوت برای انتخاب پیش می گذارد، اما مسلم است که دهمین آزمون آغازگر چهل سال مرگ فرسایشی در بیابان است تا زمانی که همه شورشیانی که به سن مسئولیت رسیده بودند، از میان رفتند.

به همین ترتیب، برخی ممکن است به انتخاب من در مورد این ده آزمون عقیدتی اعتراض کنند، زیرا ممکن است گونه هایی وجود داشته باشد که از آنچه من اینجا مطرح می کنم بهتر به نظر برسند. با این همه، آزمون دهم و پایانی به روشنی شورش ده جاسوس است. و آن، رد «هفت برابر» باب بیست و شش، لاویان بود. چندین شاهد نبوتی برای تأیید این شناسایی وجود دارد.

در مقاله بعدی شناسایی آن شاهدان نبوی را آغاز خواهیم کرد که این تفسیر را تأیید می کنند که «هفت بار باب بیست و ششم لاویان» دهمین و آخرین شکست ادونتیسیم لائودیکه ای است.

هنگامی که قدرت خدا شهادت می دهد که حقیقت چیست، آن حقیقت باید تا ابد به عنوان حقیقت پابرجا بماند. هیچ فرضیه بعدی مغایر با نوری که خدا داده است نباید پذیرفته شود. کسانی برمی خیزند با تفسیرهایی از کتاب مقدس که برای آنان حقیقت است، اما حقیقت نیست. خدا حقیقت این زمان را به عنوان بنیانی برای ایمان ما به ما عطا کرده است. او خود به ما آموخته است که حقیقت چیست. یکی برمی خیزد، و باز دیگری، با نوری تازه که با نوری که خدا به وسیله تجلی روح القدس خود عطا کرده است، در تضاد است.

اندکی هنوز زنده‌اند که تجربه حاصل از استقرار این حقیقت را از سر گذرانده‌اند. خدا به لطف خود جانشان را محفوظ داشته تا آن تجربه‌ای را که پشت سر گذاشته‌اند، تا پایان عمر، بارها و بارها بازگو کنند، همان‌گونه که یوحنا رسول نیز تا پایان زندگی‌اش چنین کرد. و پرچم‌دارانی که در گذشته‌اند، باید از طریق چاپ مجدد نوشته‌هایشان سخن بگویند. به من تعلیم داده شده که بدین‌سان صداهای آنان شنیده شود. آنان باید شهادت دهند که حقیقت مربوط به این زمان چیست.

ما نباید سخنان کسانی را بپذیریم که با پیامی می‌آیند که با نکات ویژه ایمان ما در تضاد است. آنان انبوهی از آیات کتاب مقدس را گرد می‌آورند و آن را به‌عنوان دلیل پیرامون نظریه‌های ادعایی خود روی هم می‌چینند. این کار در طول پنجاه سال گذشته بارها و بارها انجام شده است. و هرچند کتاب مقدس کلام خداست و باید مورد احترام باشد، اگر کاربرد آن چنان باشد که ستونی را از آن بنیانی که خدا طی این پنجاه سال استوار نگاه داشته است جابه‌جا کند، خطایی بزرگ است. کسی که چنین کاربردی می‌کند از تجلی شگفت‌انگیز روح القدس که به پیام‌های گذشته‌ای که به قوم خدا رسیده‌اند قدرت و قوت بخشید آگاهی ندارد. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ۱۶۱.